وزارت معارف

تعلیمات مدنی

صنف ۹



۱۳۹۸ هـ.ش.



سرود ملی

دا وطن افغانستان دی
دا عزت د هر افغان دی

کور د سولې کور د تورې
هر بچی یې قهرمان دی

دا وطن د ټولو کور دی
د بلوڅو د ازبکو

د پښتون او هزاره وو
د ترکمنو د تاجکو

ورسره عرب، گوجر دي
پامیریان، نورستانیان

براهوي دي، قزلباش دي
هم ایماق، هم پشه یان

دا هېواد به تل ځلېږي
لکه لمر پر شنه آسمان

په سینه کې د آسیا به
لکه زړه وي جاویدان

نوم د حق مو دی رهبر
وایو الله اکبر وایو الله اکبر

بسم الله الرحمن الرحیم



تعلیمات مدنی

صنف نهم

۱۳۹۸
ه.ش

مشخصات کتاب

مضمون: تعلیمات مدنی

مؤلفان: گروه مؤلفان کتاب‌های درسی دیپارتمنت تعلیمات مدنی

ویراستاران: اعضای دیپارتمنت ویراستاری و ایدیت زبان دری

صنف: نهم

زبان متن: دری

انکشاف دهنده: ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تالیف کتب درسی

ناشر: ریاست ارتباط و آگاهی عامهٔ وزارت معارف

سال چاپ: ۱۳۹۸ هجری شمسی

مکان چاپ: کابل

چاپخانه:

ایمیل آدرس: curriculum@moe.gov.af

پیام وزیر معارف

اقرأ باسم ربک

سپاس و حمد بیکران آفریدگار یکتایی را که بر ما هستی بخشید و ما را از نعمت بزرگ خواندن و نوشتن برخوردار ساخت، و درود بی‌پایان بر رسول خاتم- حضرت محمد مصطفیﷺ که نخستین پیام الهی بر ایشان «خواندن» است.

چنانچه بر همه‌گان هویداست، سال ۱۳۹۷ خورشیدی، به نام سال معارف مسمی گردید. بدین ملحوظ نظام تعلیم و تربیت در کشور عزیز ما شاهد تحولات و تغییرات بنیادینی در عرصه‌های مختلف خواهد بود؛ معلم، متعلم، کتاب، مکتب، اداره و شوراهای والدین، از عناصر شش‌گانه و اساسی نظام معارف افغانستان به شمار می‌روند که در توسعه و انکشاف آموزش و پرورش کشور نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. در چنین برهه سرنوشت‌ساز، رهبری و خانوادۀ بزرگ معارف افغانستان، متعهد به ایجاد تحول بنیادی در روند رشد و توسعه نظام معاصر تعلیم و تربیت کشور می‌باشد.

از همین‌رو، اصلاح و انکشاف نصاب تعلیمی از اولویت‌های مهم وزارت معارف پنداشته می‌شود. در همین راستا، توجه به کیفیت، محتوا و فرایند توزیع کتاب‌های درسی در مکاتب، مدارس و سایر نهادهای تعلیمی دولتی و خصوصی در صدر برنامه‌های وزارت معارف قرار دارد. ما باور داریم، بدون داشتن کتاب درسی باکیفیت، به اهداف پایدار تعلیمی در کشور دست نخواهیم یافت.

برای دستیابی به اهداف ذکرشده و نیل به یک نظام آموزشی کارآمد، از آموزگاران و مدرسان دلسوز و مدیران فرهیخته به‌عنوان تربیت کننده‌گان نسل آینده، در سراسر کشور احترامانه تقاضا می‌گردد تا در روند آموزش این کتاب درسی و انتقال محتوای آن به فرزندان عزیز ما، از هر نوع تلاشی دریغ نورزیده و در تربیت و پرورش نسل فعال و آگاه با ارزش‌های دینی، ملی و تفکر انتقادی بکوشند. هر روز علاوه بر تجدید تعهد و حس مسؤولیت پذیری، با این نیت تدریس راآغاز کنند، که در آیندۀ نزدیک شاگردان عزیز، شهروندان مؤثر، متمدن و معماران افغانستان توسعه یافته و شکوفا خواهند شد.

همچنین از دانش آموزان خوب و دوست داشتنی به مثابه ارزشمندترین سرمایه‌های فردای کشور می‌خواهم تا از فرصت‌ها غافل نبوده و در کمال ادب، احترام و البته کنجکاوی علمی از درس معلمان گرامی استفادۀ بهتر کنند و خوشه چین دانش و علم استادان گرامی خود باشند.

در پایان، از تمام کارشناسان آموزشی، دانشمندان تعلیم و تربیت و همکاران فنی بخش نصاب تعلیمی کشور که در تهیه و تدوین این کتاب درسی مجدانه شبانه روز تلاش نمودند، ابراز قدردانی کرده و از بارگاه الهی برای آن‌ها در این راه مقدس و انسان‌ساز موفقیت استدعا دارم.

با آرزوی دستیابی به یک نظام معارف معیاری و توسعه یافته، و نیل به یک افغانستان آباد و مترقی دارای شهروندان آزاد، آگاه و مرفه.

دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف

فهرست

تعلیمات مدنی

فصل اول دولت	۱
اهداف فصل	۲
دولت و وظایف آن	۳
با قانون اساسی افغانستان آشنا شویم	۷
نظام سیاسی و دولت خود را بشناسیم	۱۰
فصل دوم دموکراسی(مردم‌سالاری)	۱۵
اهداف فصل دوم	۱٦
دموکراسی(مردم‌سالاری) چیست؟	۱۷
مردم چگونه می‌توانند در اداره دولت مشارکت کنند؟	۲۱
مردم‌سالاری در افغانستان	۲۳

فصل سوم ملل متحد ۲۷
اهداف فصل ۲۸
ملل متحد ۲۹
ارکان فرعی و سازمان‌های وابسته به ملل متحد ۳۳
کارنامه‌های ملل متحد ۳۷
فصل چهارم حقوق بشر ٤١
اهداف فصل ۴۲
با حقوق بشر آشنا شویم ۴۳
حقوق بشر در افغانستان ۴۶

فصل اول

دولت

این فصل شامل درس‌های ذیل می‌باشد:

- **دولت و وظایف آن؛**
- **با قانون اساسی افغانستان آشنا شویم؛**
- **نظام سیاسی و دولت خود را بشناسیم.**





اهداف فصل

انتظار می‌رود که شاگردان با خواندن این فصل:

- **تاریخچهٔ تشکیل دولت و دلایل ضرورت جوامع به دولت را یاد گیرند؛**
- **با انواع دولت‌ها آشنا شده و دولت‌های مردم‌سالار و استبدادی را بشناسند؛**
- **قانون عادی و قانون اساسی را شناخته و تفاوت آن‌ها را بدانند؛**
- **قانون اساسی افغانستان را بشناسند؛**
- **با قوای سه‌گانه دولت جمهوری اسلامی افغانستان و وظایف آن‌ها آشنا شوند؛**
- **دربارهٔ لویه‌جرگه و دلایل تشکیل آن معلومات به دست آورند.**

دولت و وظایف آن



گفت‌وگو کنید

مکتب خود را در نظر بگیرید و دربارهٔ پرسش‌های زیر با هم گفت‌وگو کنید:

۱- مکتب شما برای رفع کدام ضرورت‌ها به وجود آمده است؟
۲- چه کسانی در مکتب شما کار می کنند؟
۳- آیا بین وظایف آن‌ها هماهنگی وجود دارد؟
۴- این هماهنگی چگونه و توسط چه کسانی صورت می گیرد؟
۵-اگر این هماهنگی نباشد چه مشکلاتی پیش می‌آید؟

چرا به دولت ضرورت داریم؟

مدیر، معاون، سرمعلم، نگران صنف، معلمین، مستخدمین و شاگردان هر کدام وظیفهٔ خاصی در مکتب دارند. همهٔ این وظایف با یکدیگر ارتباط دارند و برای پاسخ به نیازهای تعلیمی‌و تربیتی شما هماهنگ می‌شوند. مدیر وظیفهٔ ایجاد هماهنگی بین کارکنان را بر عهده دارد. هر قدر اعضای مکتب هماهنگی بیشتری داشته باشند، مکتب در انجام وظیفهٔ خود موفق خواهد بود.

جامعه شکل بزرگ‌تری از مکتب است. جامعه از خانواده‌ها، گروه‌ها و مؤسسات تشکیل شده است. هر کدام برای پاسخ به برخی از احتیاجات افراد آن جامعه، پدید آمده‌اند. این اجزا با این که از هم مستقل‌اند به یکدیگر وابسته‌اند و بدون همکاری با همدیگر نمی‌توانند وظیفهٔ خود را انجام دهند. آن‌ها باید باهم هماهنگ باشند تا به‌خوبی به وظایف خود عمل کنند. اگر این هماهنگی و نظم برقرار نباشد، بسیاری از ضرورت‌های افراد جامعه بی‌جواب باقی می‌ماند. این هماهنگی به وسیلهٔ دولت ایجاد می‌شود.

خالیگاه‌های زیر را با کلمه‌های مناسب تکمیل کنید:

با توجه به مطالب درس جاهای خالی را با عبارت‌های مناسب پر کنید.

هر قدر .... مکتب .... بیش‌تری .... باشند، .... در انجام .... خود .... خواهد بود.

چگونه‌گی پیدایش دولت

در آغاز تاریخ‌بشر، جمعیت‌انسانی بر روی کرهٔ زمین کم و روابط آن‌ها بسیار ساده بود. به تدریج، گروه‌های خویشاوندی و قبیله‌یی به وجود آمده قواعدی را برای روابط اعضای خانواده و قبیله به وجود آوردند. جامعهٔ انسانی برای مدت‌ها توسط روابط خویشاوندی و قبیله‌یی اداره می‌شد. شخص بزرگ خانواده و قبیله روابط بین اعضای خانواده و قبیلهٔ خود را تنظیم می‌کرد و بقیهٔ اعضا از اوامر او اطاعت می‌کردند. در اکثر موارد آن‌ها قادر بودند، که نزاع‌های بسیار سخت را در میان قبیلهٔ خود حل و فصل کنند.

با وسعت جوامع‌انسانی، ادارهٔ آن‌ها نیز دُشوار گردید و قواعد خویشاوندی و قبیله‌یی نمی‌توانست، پاسخگوی نیازهای جدید باشد. برخی از سران قبایل، نیرو و امکانات بیشتری فراهم کردند تا بتوانند جمعیت بیش‌تر را اداره کنند. به این ترتیب، دولت‌های اولیه شکل گرفتند. به تدریج، در برخی از مناطق، قدرت‌های بزرگ و امپراتوری‌های عظیم شکل گرفت، با گسترش روابط اجتماعی دولت‌های جدید به وجود آمدند.

گفت‌وگو کنید

فرض کنید که می‌خواهید با جمعی از دوستان خود به سفر تفریحی بروید، در بارهاین‌که به کجا بروید، با چه وسیله‌یی سفر کنید و از کدام مکان‌ها دیدن نمایید، ترجیح می‌دهید چگونه تصمیم بگیرید: ۱- یک نفر تصمیم بگیرد و بقیه از او اطاعت کنند؛ ۲- همه اعضای گروه با هم مشورت نموده، تصمیم بگیرند و نظریات خود را بیان کنید.

اقسام دولت

دولت‌ها را می‌توان به دو بخش عمدهٔ (انتخابی و استبدادی) تقسیم کرد. دولت استبدادی دولتی‌است، که بر ارادهٔ یک یا چند فرد استوار است و در آن پادشاه یا رئیس حکومت خود را حاکم بر جان و مال مردم می‌پندارد. در گذشته بیش‌تر حکومت‌ها استبدادی بودند و حاکمان بدون توجه به خواسته‌های مردم فقط طبق ارادهٔ خود حکومت می‌کردند. برخی از حاکمان مستبد تا آنجا پیش رفتند که حتا ادعای خدایی می‌کردند.

در مقابل، نوعی از دولت وجود دارد که در آن، رئیس دولت توسط مردم و از میان خود آن‌ها انتخاب می‌گردد و نماینده‌گان مردم قوانین کشور را وضع می‌کنند، این نوع دولت را دولت انتخابی می‌نامند. اکثر حکومت‌های پادشاهی از نوع استبدادی استند. در بعضی از کشورها، نظام پادشاهی مبتنی بر قانون اساسی است که به آن پادشاهی مشروطه می‌گویند. در این نوع حکومت‌ها صلاحیت‌ها و اختیارهای پادشاه محدود است و نماینده‌گان پارلمان و مقام‌ها عالی کشور نیز توسط مردم انتخاب می‌شوند.

در دین مقدس اسلام، روش حکومت کردن بر اساسات اسلامی‌استوار است در اسلام حاکمیت مطلق از خداوند ﷻ است و انسان خلیفه خداوند ﷻ در روی زمین به شمار می‌رود. همهٔ انسان‌ها در برابر قوانین الهی یکسان اند. در این دین والا و با ارزش، حاکم بر اساس شایسته‌گی، تقوا و دانش انتخاب می‌شود تا قوانین الهی را بر بنده‌گان الهی تطبیق و عملی سازد.

درکشور عزیزما افغانستان، دولت جُمهوری اسلامی حاکم بوده، قانون اساس آن در روشنی دین مبین اسلام ساخته شده است که ماده‌های دوم و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان بیان‌گر این حقیقت است.[1]

وظایف دولت

وظایف دولت در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون تاحدودی متفاوت است. مهمترین وظایف دولت‌های امروزی در همه کشورها، عبارتند از:

- وضع قوانین و مقرره‌ها برای ایجاد هماهنگی بین مؤسسات مختلف در جامعه؛
- اجرای قوانین در جامعه با در نظر داشت برابری همهٔ مردم در برابر قانون؛
- حفاظت از حقوق افراد جامعه در مقابل متجاوزین داخلی وخارجی؛
- پاسبانی و حفاظت از مرزها و جلوگیری از تجاوز دشمنان خارجی؛
- ارایه خدمات آموزشی، صحی و رفاهی برای شهروندان.

---

(۱) مادهٔ دوم: دین دولت جمهوری اسلامی‌افغانستان،دین مقدس اسلام است.
مادهٔ سوم: در افغانستان هیچ قانون نمی‌تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد.



مروری بر درس گذشته

- دولت برای ایجاد هماهنگی و نظم در روابط بین مؤسسات، خانواده‌ها و افراد در جامعه تشکیل می‌شود.
- دولت‌ها، در جامعه وظایف مختلفی دارند که وضع و اجرای قانون و جلوگیری از قانون‌شکنی، از مهم‌ترین آن‌هاست.
- دولت‌ها انواع مختلفی دارند؛ مانند: مردمی و استبدادی.



پرسش‌ها

۱- چرا به دولت نیاز داریم؟
۲- رابطهٔ دولت با سایر اجزای جامعه را شرح دهید.
۳- انواع دولت‌ها را نام ببرید.
۴- سه وظیفه دولت را بیان کنید.



کارخانه‌گی

انواع دولت‌هایی را که در درس خواندید با هم مقایسه کرده، بگویید:
۱- شما ترجیح می‌دهید چگونه دولتی داشته باشید؟
۲- در کشور عزیز ما افغانستان، کدام نوع دولت حاکم است، نتیجه آن را در صنف خود بیان کنید.

آشنایی با قانون اساسی افغانستان



گفت‌وگو کنید

مدیر یا سر معلم مکتب به شما اعلام می‌کند که چه ساعتی **باید** در مکتب حاضر باشید، چگونه **باید** لباس بپوشید، **نباید** بدون اجازه از مکتب خارج شوید، **نباید** غیرحاضر شوید. این بایدها و نبایدها چه نام دارند، چگونه به وجود آمده‌اند و چه کمکی به اداره مکتب می‌کنند؟

قانون چیست؟

هر جامعه‌یی برای حفظ نظم و جلوگیری از بی‌نظمی، ضرورت به بایدها و نبایدهایی دارد که افراد آن جامعه باید آن‌ها را رعایت کنند. اگر خوب دقت کنیم، تمام کارهای روزانهٔ ما بر اساس قواعدی است که در جامعهٔ ما وجود دارد و همه باید آن‌ها را مراعات نمایند. دولت‌ها نیز مقرره‌های را تعیین و اعلان می‌کنند تا مردم برای حفظ نظم جامعه، آن‌ها را رعایت نمایند. مقرره‌های که از سوی دولت تعیین می‌گردد، قانون نامیده می‌شود.

قانون اساسی

قانون اساسی مادر و اساس قوانین دیگر به حساب می‌آید. هیچ قانونی در کشور نمی‌تواند بر خلاف آن وضع شود. در حقیقت قانون اساسی جامع‌ترین قانون هر کشور است که برنامۀ اصلی زنده‌گی اجتماعی یک ملت را بیان نموده، راه و روش اداره کشور را تعیین می‌کند. امروز کم‌ابیش همه کشورهای دنیا قانون اساسی دارند. دولت‌ها مجری قانون اساسی استند.

قانون اساسی کشور ما

در سال ۱۳۰۱ هجری شمسی اولین قانون اساسی کشور ما تصویب گردید و بدین ترتیب، افغانستان به جمع کشورهای دارای قانون اساسی پیوست. بعد از آن چندین قانون اساسی در کشور ما وضع گردید و فسخ شده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان که قانون اساسی کنونی ما است، توسط لویه‌جرگه قانون اساسی در سال ۱۳۸۲ هجری شمسی در شهر کابل، تصویب گردید. خصوصیت‌های مهم قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان عبارتند از:

۱- **اسلامی‌بودن:** در افغانستان هیچ قانونی نمی‌تواند، مخالف اعتقادات و احکام اسلامی باشد.

۲- **جمهوری و مردمی بودن:** بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، حاکمیت ملی به ملت افغانستان تعلق دارد که به طور مستقیم یا توسط نماینده‌گان مردم اعمال می‌شود.

۳- **رعایت حقوق بشر:** در قانون اساسی کشور ما به حفظ کرامت، حقوق انسانی، تأمین آزادی‌ها حقوق اساسی مردم توجه شده است.

٤- **تحقق عدالت اجتماعی و نفی هرگونه تبعیض:** در قانون اساسی کشور ما، عدالت اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته و تبعیض به هر شکلی که باشد (قومی، زبانی، مذهبی، جنسی) نفی شده است.

مروری بر درس گذشته

- فقط در روشنی قانون است که جامعه می‌تواند به نظم و هماهنگی دست یابد.
- بخشی از مقررات حاکم بر جامعه را که از طرف دولت برای مردم وضع می‌شود، قانون می گویند.
- قانون اساسی جامع‌ترین قانون هر کشور است که برنامهٔ اصلی زنده‌گی اجتماعی یک ملت را بیان می کند.
- قانون اساسی، جمهوری اسلامی افغانستان در سال ۱۳۸۲ هـ ش. توسط لویه جرگه قانون اساسی تصویب گردید.

پرسش‌ها

۱- قانون را تعریف کنید.
۲- قانون اساسی را تعریف کنید.
۳-ویژه‌گی های مهم قانون اساسی ما چیست؟ (حداقل دو مورد آن را بیان کنید)

کارخانه‌گی

فایدهٔ موجودیت قانون را در درس خواندید، با کمک بزرگان و معلم خود برخی از فواید دیگر آن را پیدا کرده در صنف بخوانید.

نظام‌سیاسی و دولت خود را بهتر بشناسیم



گفت‌وگو کنید

در درس‌های گذشته، آموختیم که مهمترین وظیفه دولت ایجاد نظم به وسیلهٔ وضع و اجرای قانون است. آیا می‌دانید، قانون در کدام بخش دولت وضع، و در کدام بخش اجرا می‌شود؟

دولت ما

هر دولت دارای نام رسمی می‌باشد. «جمهوری اسلامی افغانستان» نام رسمی دولت ما است. دولت‌ها به طور عموم از سه بخش یا سه قوه تشکیل می‌شوند. دولت ما هم سه قوهٔ مستقل دارد: ۱- قوهٔ تقنینیه ۲- قوهٔ اجراییه و ۳- قوهٔ قضاییه. در ادامهٔ درس با این سه قوه بیش‌تر آشنا می‌شویم:

قوهٔ تقنینیه

قوهٔ تقنینیه یا قانون‌گذار کشور ما «شورای ملی» می‌باشد. قوانین کشور ما در شورای ملی وضع و تصویب می‌شود. شورای ملی یا پارلمان کشور ما از دو مجلس تشکیل شده است: ولسی جرگه و مشرانوجرگه.

ولسی‌جرگه: این مجلس از نماینده‌گان منتخب مردم سراسر افغانستان تشکیل شده است. نماینده‌گان این مجلس هر ۵ سال یک‌بار توسط مردم از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری

و مستقیم انتخاب می‌شوند. نماینده‌گان منتخب برای اجرای بهتر وظیفهٔ خود، افرادی را از میان خود به عنوان «هیأت اداری» انتخاب می‌کنند. هیأت اداری ولسی‌جرگه وظیفهٔ اداره مجلس را بر عهده دارد.

وظیفه اصلی نماینده‌گان ولسی‌جرگه، وضع قوانین است. نماینده‌گان برای کارآیی بیشتر، گروه‌های تخصصی تشکیل می‌دهند که به این گروه‌ها کمیسیون می‌گویند.

هر کدام از نماینده‌گان عضو یک کمیسیون می‌باشند. هر پیشنهادی که قرار است در مجلس به صورت قانون درآید، اول در کمیسیون مربوطه مورد بحث، بررسی و اصلاح قرار گرفته؛ سپس برای بحث نهایی ارایه می‌شود.

مشرانو جرگه: بخشی از اعضای این مجلس به صورت انتخابی و بخش دیگر آن، به صورت انتصابی به این مجلس راه پیدا می‌کنند. دو ثلث از نماینده‌گان از بین اعضای شوراهای ولایتی و شوراهای ولسوالی به این مجلس راه می‌یابند و یک ثلث دیگر از بین شخصیت‌های خبره و با تجربه توسط رئیس جمهور، تعیین می‌شود. مشرانوجرگه هم دارای کمیسیون‌های تخصصی می‌باشد. قوانین بنابرعادت اول، در ولسی جرگه و سپس در مشرانوجرگه تصویب می‌شود و پس از امضای رئیس جمهور قابل اجرا می‌گردد.

علاوه بر وضع قوانین که مهمترین وظیفهٔ شورای ملی می‌باشد، وظیفه تصویب برنامه‌های انکشافی دولت، تصویب بودجه دولتی، ایجاد واحدهای جدید اداری و تصدیق معاهده‌ها و میثاق‌های بین‌المللی، یا خروج افغانستان از این قراردادها هم، به عهده شورای ملی می‌باشد.

قوهٔ اجراییه

آیا می‌دانید، مکتب شما جزئی از قوهٔ اجراییه کشور به حساب می‌آید؟ آیا می‌توانید، بخش‌های دیگری از قوهٔ اجراییه را که در محل زنده‌گی شما فعال می‌باشد، نام ببرید؟

تمام وزارت‌خانه‌ها و ریاست‌های آن‌ها در همه نقاط کشور جزئی از قوهٔ اجراییه می‌باشند. در رأس هر وزارت‌خانه یک وزیر قرار دارد.

که توسط رئیس جمهور و با تأیید ولسی‌جرگه تعیین می‌شود. وزرا برای اجرای وظایف خود در مقابل ولسی‌جرگه و رئیس دولت مسؤول می‌باشند.

وظایف قوهٔ اجراییه عبارتند از:

۱- اجرای قانون اساسی، قوانین عادی و فیصله‌های محاکم؛ ۲- تنظیم بودجه مالی دولت و پیشنهاد آن به شورای ملی؛ ۳ - طرح و تطبیق برنامه‌های انکشافی؛ ۴ -ارائه گزارش به شورای ملی در ختم سال مالی درباره امور انجام شده و برنامه‌های سال مالی جدید. در رأس قوهٔ اجراییه رئیس جمهور قرار دارد.

رئیس جمهور به عنوان رئیس دولت صلاحیت‌هایی در هر سه قوه دارد. رئیس جمهور هر پنج سال یک بار از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم، توسط مردم انتخاب می‌شود.
رئیس جمهور وظایف بسیار زیاد و سنگینی به عهده دارد که در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- حراست و مراقبت از اجرای درست قانون اساسی؛
- سرقوماندان اعلای قوای مسلح؛
- تعیین وزیران، رئیس ستره محکمه، لوی څارنوال و رئیس سره‌میاشت با تأیید ولسی جرگه؛
- تعیین یک ثلث از اعضای مشرانو جرگه.

گفت‌وگو کنید

تا این جا آموختیم که قانون در قوهٔ مقننه وضع و توسط قوهٔ اجراییه اجرا می‌شود. به‌نظر شما اگر کسی از قوانین تخلف کند کدام بخشی از دولت، باید به آن رسیده گی کند؟

قوهٔ قضاییه

در بخش های قبلی درس، یاد گرفتیم که قوهٔ تقنینیه قوانین را وضع می کند و تطبیق آن‌ها بر عهدهٔ قوهٔ اجراییه است. همانطور که در درس‌های گذشته خواندیم، یکی از وظایف دولت جلوگیری از نقض حقوق افراد و همچنین جلوگیری از قانون شکنی است. این وظیفه بر عهده قوهٔ قضاییه می‌باشد. قوهٔ قضاییه رکن مستقل دولت جمهوری اسلامی افغانستان در امر قضا می‌باشد.

قوهٔ قضاییهٔ ما مرکب از ستره محکمه، محاکم استیناف و محاکم ابتداییه می‌باشد. ستره محکمه در رأس قوهٔ قضاییه قرار دارد و مرکب از نُه عضو است که از طرف رئیس جمهور و با تأیید ولسی جرگه انتخاب می‌شوند. به‌طور خلاصه، وظیفهٔ قوهٔ قضاییه رسیده گی به اختلاف‌هایی است که ممکن است، بین شهروندان ویا بین شهروندان و دولت رخ دهد؛ یعنی هر فرد افغان اگر احساس کند که حقش توسط فردی دیگر و یا دولت نقض شده است، می‌تواند به محکمه شکایت کند.

لویه جرگه،(جرگه بزرگ)

لویه جرگه (جرگه بزرگ) مجلسی است که تنها در افغانستان تشکیل می‌شود و عالی ترین سطح ارادهٔ ملت می‌باشد.
لویه جرگه مجلسی دایمی نیست و در شرایطی خاص به طور مؤقت تشکیل می‌شود اعضای لویه جرگه عبارتنداز: اعضای شورای ملی و رؤسای شوراهای ولایات و ولسوالی‌ها و افراد خبره و سرشناس اقوام.
لویه جرگه در حالت‌های ذیل تشکیل می‌شود:
۱- اتخاذ تصمیم در مورد مسایل مربوط به استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی و مصالح

علیای کشور؛

۲- تعدیل قانون اساسی؛ ۳- محاکمه رئیس جمهور.

لویه جرگه توسط رئیس جمهور دایر می‌شود؛ مگر اینکه برای محاکمه رئیس جمهور تشکیل شده باشد که در آن صورت توسط ولسی جرگه دایر می گردد.

مروری بر درس گذشته [1]

- نام رسمی دولت ما "جمهوری اسلامی افغانستان" است.
- شورای ملی رکن مقننه در کشورما می‌باشد.
- قوه اجراییه قوانینی را که در قوهٔ مقننه وضع می‌شود توسط حکومت، و متشکل از هیأت وزرا است، اجرا می کند.
- ....
- ....
- ....

پرسش‌ها

۱- مجلس‌های شورای ملی چه تفاوتی با هم دارند؟

۲- وظایف شورای ملی را بنویسید.

۳- وظایف قوهٔ اجراییه را بنویسید.

۴- وظایف رئیس جمهور را به اختصار بنویسید.

۵- قوهٔ قضاییه از چند بخش تشکیل شده‌است؟

۶- لویه جرگه توسط چه کسی دایر می‌شود؟

کارخانه‌گی

یکی از قوه‌های سه‌گانه دولت را انتخاب کرده، به کمک بزرگان و معلم خود در مورد وظایف آن ده سطر بنویسید.

۱- شاگردان عزیز! از این درس به بعد، به کمک معلم خود خلاصه درس را بنویسید.

خلاصهٔ فصل

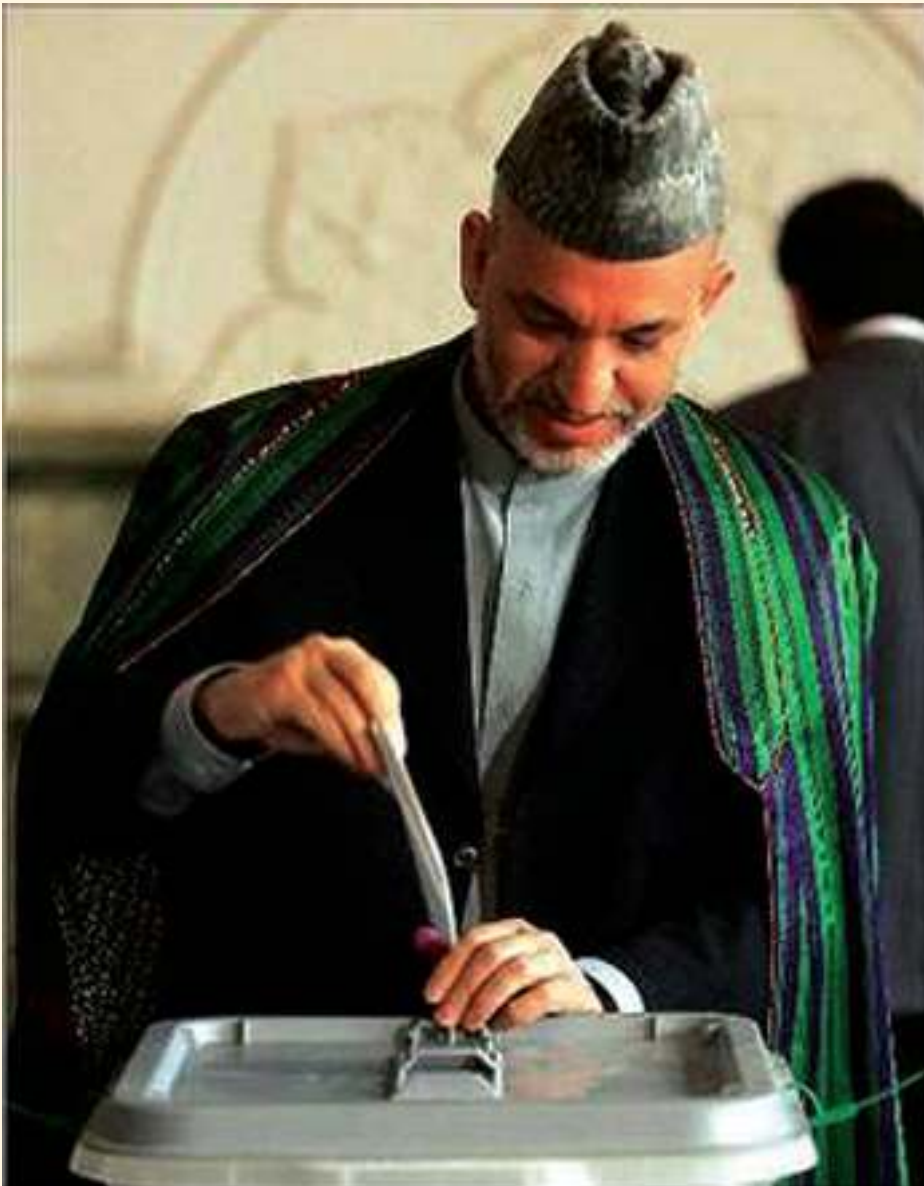
- دولت برای ایجاد هماهنگی و نظم در روابط بین مؤسسات، خانواده‌ها و افراد در جامعه تشکیل می‌شود.
- دولت‌ها در جامعه وظایف مختلفی دارند که وضع و اجرای قانون و جلوگیری از قانون‌شکنی از مهم‌ترین آن‌هاست.
- دولت‌ها را می‌توان به دو بخش انتخابی و استبدادی تقسیم کرد.
- قانون نقش اساسی در ایجاد نظم و هماهنگی جامعه دارد.
- مجموعهٔ اصول کلی که وظایف مردم و دولت را در مقابل یکدیگر واضح کرده، چگونه گی عملکرد دولت و ارُگان‌های دولتی را بیان می‌کند، قانون اساسی می‌گویند.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان در سال ۱۳۸۲ هجری شمسی، تصویب شد.
- نام رسمی دولت ما «جمهوری اسلامی افغانستان» است.
- دولت دارای سه رکن اصلی است: قوه مجریه، قوه مقننه و قوه قضاییه.
- لویه‌جرگه، عالی‌ترین مظهر اراده ملت در کشور ما است.

فصل دوم

دموکراسی(مردم‌سالاری)

در این فصل درس‌های زیر را می‌خوانید:

- **مردم‌سالاری چیست؟**
- **مردم چگونه می‌توانند، در ادارهٔ دولت سهیم باشند؟**
- **مردم‌سالاری در افغانستان.**



اهداف فصل

انتظار می‌رود که دانش آموزان با خواندن این فصل بتوانند:

- **دموکراسی (مردم‌سالاری) را تعریف کنند؛**
- **دربارهٔ مردم‌سالاری مستقیم و مردم‌سالاری نماینده‌گی معلومات دهند؛**
- **مهمترین اصول مردم‌سالاری را بیان کنند؛**
- **اهمیت و چگونه‌گی مشارکت مردم را در دولت بدانند؛**
- **برای مشارکت و سهم‌گیری در دولت تشویق شوند؛**
- **انواع مشارکت مردم در دولت را بشناسند؛**
- **تاریخچه مختصر مردم‌سالاری در افغانستان را بدانند؛**
- **به اهمیت مردم‌سالاری در قانون اساسی کشور پی‌ببرند؛**
- **با مظاهر مردم‌سالاری در کشور آشنا شوند.**

مردم‌سالاری چیست؟



گفت‌وگو کنید

فرض کنید، شما تصمیم گرفته اید که یکی از هم‌صنفی‌های خود را به‌حیث نماینده صنف خود به اداره معرفی نمایید. پس کدام روش زیر را ترجیح می‌دهید:

۱- او را معلم‌تان معرفی کند؛

۲- شما خودتان انتخاب می کنید.

به نظر شما در اجتماع‌های بزرگ چگونه تصمیم گرفته می شود؟

در درس‌های قبل خواندیم که ما برای اداره جامعه، به دولت نیاز داریم. بعضی از دولت‌ها مردم را در تصمیم گیری‌ها شریک نمی‌سازند. این نوع دولت‌ها به طور عموم بر اراده یک یا چند فرد استوار است. جوامع دیگری نیز هستند؛ که قدرت اصلی تصمیم گیری در دست مردم است و دولت فقط نماینده باصلاحیت مردم برای تصمیم گیری به حساب می‌آید. شاید شما اصطلاح دموکراسی «مردم‌سالاری» را شنیده باشید. آیا تا اکنون به معنای این اصطلاح فکر کرده‌اید؟

دموکراسی کلمهٔ یونانی است که امروز در تمام زبان‌ها استفاده می‌شود.
این کلمه به معنای حکومت مردم است؛ که در زبان فارسی دری از آن به عنوان «مردم‌سالاری» یاد می‌شود. مردم‌سالاری به این معنی است؛ که حکومت حق مردم است و این مردم هستند که باید در مورد مسایل کشور خود تصمیم بگیرند.
گرچه در گذشته‌های بسیار دور، در یونان باستان نوعی از مردم‌سالاری وجود داشت؛ ولی به زودی نابود گردید و برای قرن‌ها اکثر دولت‌ها بر اساس استبداد اداره می‌شدند. بعدها در اثر پیشرفت‌هایی که انسان‌ها در زمینه حقوق بشر به دست آوردند، توجه مردم و دولت‌ها به اصول مردم‌سالاری جلب گردید. گرایش‌های مردم به مردم‌سالاری در آغاز قرن بیستم میلادی به سرعت پیشرفت کرد و باعث شد که بسیاری از دولت‌ها اصول مردم‌سالاری را پذیرفته و در دولت خود به کار گیرند. امروز همه دولت‌ها مردم‌سالاری را به عنوان یک روش مناسب در اداره حکومت خود پذیرفته‌اند و کمتر دولتی را در جهان می‌توان یافت که خود را مردم‌سالار نداند.
مردم‌سالاری از این نظر، که مردم چگونه حق حاکمیت خود را اعمال می‌کنند به دو نوع تقسیم می‌شود: ۱- مردم‌سالاری مستقیم، در مردم‌سالاری مستقیم مردم به طور مستقیم حاکمیت خود را اعمال می‌کنند؛ یعنی همه مردم در یک مکان جمع می‌شوند و در باره مسایل مهم تصمیم می‌گیرند.



به نظر شما امروز این نوع مردم‌سالاری در اداره حکومت وجود دارد؟ چرا؟
۲- مردم‌سالاری نماینده‌گی: در جوامع امروزی به دلیل جمعیت زیاد، امکان جمع کردن تمام مردم در یک جا به طور عموم وجود ندارد. همچنین، مسایل کشورها بسیار زیاد و پیچیده شده و تمام مردم وقت رسیده‌گی و بحث در مورد آن‌ها را ندارند.
بنابراین، امروز از مردم‌سالاری نماینده‌گی یا مردم‌سالاری غیر مستقیم استفاده می‌شود. در مردم‌سالاری نماینده‌گی مردم برخی از کارگزاران دولت؛ مانند: نماینده‌گان پارلمان را انتخاب می‌کنند و به آن‌ها صلاحیت می‌دهند که برای اداره کشور تصمیم گرفته و قانون وضع کنند. در برخی از کشورها رئیس دولت توسط رأی مستقیم مردم و در بعضی دیگر توسط نماینده‌گان پارلمان انتخاب می‌شوند. نماینده‌گان منتخب مردم و رئیس دولت در مقابل مردم مسؤولیت دارند و مردم می‌توانند، از آن‌ها بازخواست کنند.

مقایسه کنید

در باره مردم‌سالاری مستقیم و نماینده‌گی گفت‌وگو کنید و به پرسش زیر پاسخ دهید:
اصول مشترک میان مردم‌سالاری مستقیم و مردم سالاری نماینده‌گی کدام ها است؟

مردم‌سالاری اصولی دارد؛ که امروز به عنوان ارزش‌های بشری، مورد قبول اکثریت جوامع قرار دارد و هرگاه این اصول در تشکیل دولت رعایت شود، به آن دولت مردم‌سالاری می‌گویند.
مهمترین اصول مردم‌سالاری عبارتند از:
۱- حاکمیت مردم.
۲- تضمین حقوق اساسی بشر.
۳- انتخابات آزاد.
۴- برابری در مقابل قانون.
۵-آزادی بیان.
۶- حکومت اکثریت با حفظ حقوق تمام افراد جامعه.
۷- پاسخگویی کارگزاران دولتی در مقابل مردم.

البته، مردم‌سالاری در همه کشورها به طور کامل یکسان نیست و هر کشوری متناسب با شرایط اعتقادی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود از مردم‌سالاری در تشکیل و اداره دولت خود استفاده می‌کند. با توجه به مطالب درس، به نظر شما آیا دولت ما، مردمی محسوب می‌شود؟ دلایل خود را بگویید.

مروری بر درس گذشته

- ....
- ....
- ....
- ....
- ....
- ....

پرسش‌ها

۱- دموکراسی را به زبان دری چه می‌گویند؟

۲- مردم‌سالاری مستقیم و غیرمستقیم چه فرقی دارند؟

۳- آیا امروز می‌توان، از روش مردم‌سالاری مستقیم در اداره یک کشور استفاده کرد؟ توضیح دهید.

۴- چهار اصل از اصول مهم مردم‌سالاری را نام ببرید.

کارخانه‌گی

در سال‌های اخیر طرح پارلمان جوانان به شکل آزمایشی در کشور اجرا شده است. در این باره تحقیق کنید که این پارلمان با چه اهدافی تشکیل شده است و شرایط عضویت در آن چیست؟

مردم چگونه می‌توانند در اداره دولت شریک شوند؟





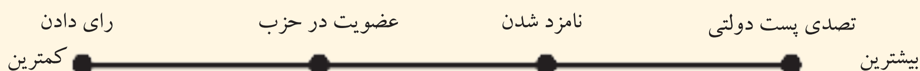
گفت‌وگو کنید

حاکمیت از آن خداوند ﷻ است و در نظام‌های مردم‌سالاری، حاکمیت مردم مهم‌ترین اصل مردم سالاری است. به نظر شما مردم چگونه می‌توانند، حاکمیت خود را اعمال نموده و در تصمیم‌گیری‌های سیاسی شرکت کنند؟

همانگونه که در درس‌های پیش خواندیم، مردم در دولت‌های مردم‌سالاری می‌توانند به طور مستقیم یا از طریق نماینده‌گان خود در اداره کشور مشارکت کنند. بنابراین، دولت مردم‌سالاری بر پایه مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی کشور استوار است. هرچه میزان مشارکت مردم بیشتر باشد، جلوهٔ مردم‌سالاری در آن دولت بیشتر خواهد بود.

راه‌های مختلفی برای مشارکت مردم در کارهای سیاسی وجود دارد که از رأی دادن و شرکت در تظاهرات گرفته تا تصدی بالاترین پست‌های دولتی را شامل می‌گردد، اما مردم به طور یکسان در اُمور سیاسی مشارکت نمی‌کنند. برخی از مردم تنها در انتخابات شرکت نموده و به یکی از نامزدان رای می‌دهند. تعدادی هم عضو حزب سیاسی شده و در جهت پیشبرد اهداف حزب خود فعالیت می‌کنند. بعضی دیگر بالاتر از این، با نامزد کردن خود

تلاش می‌کنند که پست‌های دولتی را احراز کرده و به‌طور مستقیم در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای برنامه‌های دولتی وارد شوند. عده‌یی دیگر، که بالاترین سطح مشارکت را دارند، کسانی‌اند که در انتخابات موفق گردیده و به طور عملی پست‌های دولتی را احراز می‌کنند. برای وضاحت بیشتر به شکل ذیل توجه کنید:



برای اینکه مشارکت سیاسی مفید و تأثیرگذار باشد، انتخابات باید آزاد، عمومی، سری و مستقیم برگزار شود، تا مردم بتوانند با میل و ارادهٔ خود کسانی را که می‌خواهند، انتخاب نمایند و کس دیگری ارادهٔ خود را بر آن‌ها تحمیل نکند.

نوع دیگری از مشارکت سیاسی به صورت کنترول و نظارت بر اعمال دولت‌مردان انجام می‌شود. نظارت نیز از راه‌های گوناگونی اعمال می‌گردد، برخی از انواع نظارت بر عملکردهای دولت عبارتند از: ۱- نظارت توسط نماینده‌گان مردم در پارلمان، ۲- اعتراض به عملکردهای دولت توسط تظاهرات و اعتراض دسته‌جمعی. ۳- انتقاد از کارهای دولت از طریق رسانه‌ها.

مروری بر درس گذشته

- ....
- ....
- ....
- ....
- ....

پرسش‌ها

۱- مشارکت مردم در دولت چه رابطه‌یی با مردم‌سالاری دارد؟
۲- چه راه‌ها برای مشارکت مردم وجود دارد؟ آن‌ها را توضیح دهید.
۳- نقش مشارکت مردم را در سیاست بیان کنید.
۴- مردم از چه راه‌های می‌توانند بر کارکردهای دولت‌مردان نظارت کنند؟

کارخانه‌گی

دو نفر را در نظر بگیرید که یکی مشارکت سیاسی بیشتر دارد و دیگری کمتر.
بر روی شکل موقعیت آن دو را مشخص کنید و دلایل خود را برای تعیین موقعیت‌ها بیان کنید.

مردم‌سالاری در افغانستان



گفت‌وگو کنید

با توجه به مطالب درس قبل، به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:
به نظر شما چرا می‌توان دولت افغانستان را یک دولت مردم‌سالاری دانست؟ توضیح دهید.

مردم‌سالاری امروز در جهان به‌حیث یک روش، در زمینه حکومت‌داری شناخته می‌شود. حکومت‌های مردم‌سالاری عمر زیادی در تاریخ بشر ندارند و سابقه این نوع حکومت در افغانستان بسیار کوتاه است. در کشور ما مبارزان و آزادی‌خواهان برای به دست‌آوردن آزادی و مردم‌سالاری سال‌ها مبارزه کردند و در این راه بهای سنگینی پرداختند. سرانجام، در اثر تلاش‌های آزادی‌خواهان و فشارهای اجتماعی، در سال ۱۳۴۳ هـ . ش. بعضی از ارزش‌های مهم مردم‌سالاری در قانون اساسی درج گردید و پارلمان که از بنیاد و اساس مردم‌سالاری است تشکیل شد.

در زمانی که امید می‌رفت؛ کشور ما به سوی مردم‌سالاری شدن پیش رود، کودتاها و جنگ‌هایی در کشور شروع شد که پایه و اساس مردم‌سالاری را نیز مانند؛ بسیاری بخش‌های دیگری زنده‌گی در کشور رو به نابودی برده، استقرار مردم‌سالاری را در کشور با مشکل مواجه کرد. بعد از کنفرانس بن، راه برای حکومت جدید هموار گردید.

مردم‌سالاری دردولت جدید را می‌توان در دو بُعد قانونی و عملی ملاحظه کرد:

۱- مردم‌سالاری در قانون اساسی

قانون اساسی جدید کشور که در سال ۱۳۸۲ هـ. ش. تصویب گردید، شمار زیادی از مفاهیم مردم‌سالاری را در بر می‌گیرد. گرچه اثرهای مردم‌سالاری در تمام مواد و بندهای قانون اساسی حضور دارد؛ اما در برخی از مواد آن با صراحت تمام جلوه پیدا کرده است. مهمترین جلوه‌های مردم‌سالاری در قانون اساسی عبارتند از:

۱- رئیس جمهور در برابر مردم و ولسی‌جرگه مسؤول است[۱].

۲- انتخاب شدن و انتخاب کردن حق هر تبعهٔ افغانستان می‌باشد[۲].

۳- تشکیل جمعیت‌ها و احزاب برای اتباع کشور مجاز است[۳].

۴- برگزاری تظاهرات مسالمت‌آمیز، توسط مردم مجاز دانسته شده است[۴].

۵- آزادی، عدم تبعیض بین افراد جامعه، عدم تبعیض جنسیتی، برابری در مقابل قانون و آزادی بیان از جمله اصول مردم‌سالاری است که در مواد مختلف قانون اساسی ما به صراحت بیان شده است.

بررسی کنید

با توجه به آشنایی‌هایی که با اصول و ارزش‌های مردم‌سالاری دارید، به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:

۱- چرا قانون اساسی افغانستان را می‌توان، یک قانون اساسی مردم‌سالاری دانست؟ با مثال بگویید.

۲- ارزش‌های مردم‌سالاری که در قانون اساسی آمده، تاکنون چقدر تطبیق شده است؟ توضیح دهید.

۲- جلوه‌های عملی مردم‌سالاری

الف- انتخابات ریاست جُمهوری

انتخابات ریاست جُمهوری، در راستای تحقق حاکمیت مردم در کشور صورت گرفت. در نخستین انتخابات ریاست جُمهوری، مردم ما برای اولین بار در تاریخ کشور توانستند که بالاترین مقام اجراییه کشور را با رأی آزاد خود انتخاب کنند. در این انتخابات افرادی از تمام اقوام ساکن کشور توانستند که برای احراز این مقام نامزد شده، با هم به رقابت بپردازند. این انتخابات به صورت آزاد، عمومی، مستقیم و سری صورت گرفت. در دومین انتخابات ریاست جُمهوری که در سال ۱۳۸۸هـ. ش. برگزار گردید، نیز مردم سراسر کشور در انتخابات شرکت نموده، رئیس جُمهور خود را انتخاب کردند.

انتخابات ولسی‌جرگه و شوراهای ولایتی نیز به فاصله کمی از اولین انتخابات ریاست جُمهوری برگزار شد. در این انتخابات نیز محدودیتی برای نامزد شدن و رأی دادن، وجود نداشت. به همین دلیل، پارلمان ما از نماینده‌گان تمام اقوام و نگرش‌های مختلف سیاسی که

۱- مادهٔ شصت و نهم قانون اساسی ۲- مادهٔ سی و سوم قانون اساسی ۳- مادهٔ سی وپنجم قانون اساسی ۴- مادهٔ سی و ششم قانون اساسی

توانسته‌اند، رای کافی به‌دست آورند، تشکیل شده‌است. انتخابات شوراهای ولایتی نیز به طور همزمان با انتخابات ولسی‌جرگه برگزار گردید.

ب- آزادی‌های مدنی

یکی دیگر از اصول مردم‌سالاری آزادی‌های مدنی است. آزادی اندیشه، آزادی تشکیل احزاب، آزادی تظاهرات(حرکت های سیاسی مردمی) واعتراض‌های مسالمت‌آمیز، آزادی بیان از طریق رسانه‌های جمعی همان‌گونه که در قانون تضمین شده، در عمل نیز مردم از آن‌ها برخوردار می‌باشند.

مردم‌سالاری در کشور ما جدید و نوپا است. از این رو، وظیفهٔ دولت و ملت است که از این نهال ارزشمند با تمام وجود مراقبت و نگهداری کنند تا دشمنان نتوانند به آن صدمه وارد کنند. گسترش نا امنی یکی از خطرهای است که می‌تواند، مردم‌سالاری و ارزش‌های مردم‌سالاری را در کشور ما تهدید کند. پس همه‌گی باید تلاش کنیم که نظم و امنیت را در کشور حفظ نموده و گسترش دهیم.



مروری بر درس گذشته

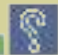
۱- ....

۲- ....

۳- ....

۴- ....

۵- ....



پرسش‌ها

۱- سابقه دموکراسی (مردم‌سالاری) در افغانستان چه مدت است و از چه زمانی دوباره مردم‌سالاری در کشور ما، گسترش یافته است؟

۲- کدام اصول مردم‌سالاری در قانون اساسی ما تصریح شده است؟

۳- به نظر شما آیا انتخابات ریاست جمهوری و ولسی جرگه در افغانستان طور انتخابی صورت گرفت؟ دلایل خود را بنویسید.



کارخانه‌گی

چند سال دیگر شما هم می‌توانید در انتخابات شرکت کنید و به نامزدهای مورد نظر خود، رأی دهید. فردی که شما به عنوان نماینده پارلمان یا رئیس جمهور انتخاب می‌کنید، باید چه ویژه‌گی ها را داشته باشد؟ داشتن ویژه‌گی مورد نظر شما چه فایده‌یی دارد؟ در صنف برای دوستان خود بگویید.

خلاصۀ فصل

- دموکراسی (مردم‌سالاری) به معنای حکومت مردم است که در زبان فارسی دری از آن به عنوان «مردم‌سالاری» یاد می‌شود.
- مردم‌سالاری به این معنا است که حکومت حق مردم است و این مردم هستند که باید در مورد مسایل کشور خود تصمیم بگیرند.
- حاکمیت مردم به دو صورت اعمال می‌شود: ۱- به صورت مستقیم که مردم در یکجا جمع شده، برای اداره کشور خود تصمیم می‌گیرند؛ ۲- به صورت نماینده‌گی که از طریق انتخاب نماینده‌گان خود حاکمیت را اعمال می‌کنند.
- در جوامع امروزی مردم‌سالاری نماینده‌گی رواج دارد؛ زیرا جمعیت زیاد است و جمع کردن مردم در یک مکان، امکان‌پذیر نمی‌باشد.
- در مردم‌سالاری نماینده‌گی، مردم برخی از کارگزاران مهم دولت؛ مانند رئیس جمهور و نماینده‌گان پارلمان را انتخاب می‌کنند و به آن‌ها اختیار می‌دهند که از طرف مردم تصمیم بگیرند.
- هرچه میزان مشارکت مردم در تصمیم‌گیری سیاسی بیش‌تر باشد، به همان اندازه نشان دهندۀ دولت مردم سالاری در کشور است. مشارکت مردم در حکومت می‌تواند، از شرکت در انتخابات و رأی‌دادن به نامزدهای مورد نظر، تا احراز پست‌های مهم دولتی را شامل شود.
- نظارت بر کار دولت‌مردان، از طریق رسانه‌ها نیز بخشی از مشارکت مردم به‌شمار می‌رود.
- سابقه مردم‌سالاری (دموکراسی) در جهان و همچنین در افغانستان خیلی زیاد نیست.
- مردم‌سالاری؛ مانند: روح در پیکر قانون اساسی افغانستان وجود دارد و در ماده‌های متعدد قانون اساسی تصریح شده است.
- انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی و همچنین وجود رسانه‌های خصوصی آزاد، مظاهر از مردم‌سالاری در افغانستان می‌باشد.

فصل سوم

ملل متحد

در این فصل درس‌های زیر را می‌خوانیم:

- **ملل متحد.**
- **ارکان فرعی و سازمان‌های وابسته به ملل متحد.**
- **کارنامه‌های ملل متحد.**



اهداف فصل

انتظار می‌رود که شاگردان با خواندن این فصل بتوانند:

- **دلایل تشکیل ملل متحد را بیان کنند؛**
- **ارکان اصلی ملل متحد و وظایف هر کدام را شرح دهند.**
- **تفاوت ارگان‌های فرعی و سازمان‌های وابسته به ملل متحد را بشناسند.**
- **دربارهٔ یونسکو، یونیسف و کمیشنری ملل متحد در امور پناهنده‌گان معلومات دهند.**
- **موفقیت‌ها و شکست‌های ملل متحد را در رسیدن به اهدافش تا حدودی بشناسند.**
- **با فعالیت‌های ملل متحد در افغانستان آشنا شوند.**

ملل متحد



گفت‌وگو کنید

در گذشته‌های دور، انسان‌ها جنگ را گریزناپذیر می‌پنداشتند؛ به همین دلیل، تاریخ بشر پر از جنگ‌های خونینی است که انسان‌ها باهم داشتند. به نظر شما:

آیا امروز می‌توان از وقوع جنگ در سطح جهانی جلوگیری کرد؟ چگونه؟

در اوایل قرن بیستم جنگی بین قدرت‌های اروپایی آن‌زمان شروع شد که چهار سال ادامه یافت و میلیون‌ها نفر قربانی گرفت. حدود ۲۱ سال بعد از آن جنگ دیگری باز از اروپا شروع شد که سال‌ها ادامه پیدا کرد. این جنگ نیز میلیون‌ها نفر قربانی گرفت. وقوع دو جنگ جهانی باعث شد که مصلحان اجتماعی به فکر یافتن راه حلی برای جلوگیری از جنگ بیفتند. در پایان جنگ‌جهانی‌اول سازمانی به نام «جامعهٔ ملل» برای جلوگیری از جنگ به وجود آمد. همچنان علی‌رغم کارهای مثبتی که «جامعه ملل» انجام داد، در نهایت نتوانست موفقیت زیادی در زمینهٔ جلوگیری از جنگ به‌دست آورد.

فجایع و خسارت‌های غیر قابل جبرانی که از جنگ جهانی دوم به جا مانده بود، از

یک‌طرف، تولید تسلیحات نظامی با قدرت تخریب بالا مانند؛ سلاح‌های اتمی از طرف دیگر، باعث شد که مردم و دولت‌های وقت، نیاز به حفظ صلح را بیش از پیش احساس کنند. سرانجام، بعد از تلاش‌های فراوان در سال ۱۳۲۴هـ شمسی، «ملل متحد» با امضای منشوری توسط ۵۱ عضو، به‌طور رسمی افتتاح گردید. کشورهای دیگر به تدریج به عضویت ملل متحد درآمدند. در حال حاضر، ۱۹۱، کشور عضو ملل متحد می‌باشند. افغانستان در سال ۱۳۲۵ هـ ش. به عضویت ملل متحد درآمد. مقر ملل متحد در شهر نیویورک در ایالات متحدهٔ امریکا قرار دارد. شش زبان در ملل متحد رسمیت دارد که عبارت اند از: انگلیسی، فرانسوی، اسپانوی، چینی، روسی و عربی.

گفت‌وگو کنید

شما آموختید که ملل متحد برای حفظ صلح و امنیت تأسیس شده است. به نظر شما ملل متحد باید چه کارهایی را انجام دهد تا بتواند صلح و امنیت را در سراسر جهان حفظ کند؟

ارکان ملل متحد

ملل متحد برای رسیدن به اهداف خود، نیاز به تقسیم کار در داخل سازمان داشت. ارکان عمدهٔ که منشور ملل متحد برای این سازمان طراحی کرده، عبارتند از:

مجمع عمومی: مجمع عمومی، شامل کلیهٔ اعضای ملل متحد است که هریک دارای یک حق رأی در جلسه‌های عمومی می‌باشند. پذیرش اعضای جدید، تعلیق یا اخراج اعضای قدیمی و



انتخاب اعضای غیر دایمی‌شورای امنیت از جمله وظایف مجمع عمومی می‌باشد.

شورای امنیت: شورای امنیت از پانزده عضو تشکیل شده که پنج عضو آن دایمی و ده عضو دیگر غیردایمی‌می‌باشند. اعضای دایمی، عبارتند از: کشورهای امریکا، روسیه، انگلستان، فرانسه و چین. اعضای غیر دایمی‌هر دو سال یک‌بار توسط مجمع عمومی انتخاب می‌شوند. کلیه تصمیم‌های شورای امنیت با موافقت همه اعضای دایمی‌این شورا گرفته می‌شود. مخالفت یک عضو دایمی‌مانع از اجرای تصمیم می‌شود. این مخالفت را که مانع از اجرای تصمیم می‌شود به نام «حق ویتو» یاد می کنند. حق ویتو به این کشورها اجازه می‌دهد که هر گاه خواسته باشند، منافع خود را بر سایر کشورها تحمیل نمایند و از این حق استفاده کنند.

وظیفۀ شورای امنیت، حفظ صلح است که از دو طریق زیر انجام می‌شود:

۱- حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات؛



۲- اقدام عملی در موارد تهدید صلح و یا تجاوز؛

شورای اقتصادی- اجتماعی: این شورا برای پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشورهای عضو تلاش می کند.

دیوان بین‌المللی عدالت: اگر کشورها با هم اختلافاتی داشته باشند، می‌توانند، به این دیوان، که مرکز آن در شهر «لاهه» در کشورهالند قرار دارد، شکایت کرده و تقاضای رسیده گی نمایند.

دارالانشاء: دارالانشاء از یک سرمنشی و تعدادی کارمند تشکیل شده است.

سرمنشی ملل متحده هماهنگی و نظم و ترتیب تمام امور سازمان را فراهم می کند ومصوبه‌های مجمع عمومی و شورای امنیت را به طور مستقیم اجرا نموده، یا بر اجرای آن نظارت می کند. همچنین سرمنشی می‌تواند، توجه شورای امنیت را به هر موضوعی که به عقیدهٔ او صلح و امنیت بین‌المللی را با خطر مواجه می کند، جلب نماید.



مروری بر درس گذشته

- ....
- ....
- ....
- ....
- ....
- ....



پرسش‌ها

۱- اهداف تشکیل ملل متحد را بنویسید.
۲- وظایف مجمع عمومی چیست؟
۳- شورای امنیت چه وظایفی دارد؟ توضیح دهید.
۴- ارکان اصلی ملل متحد را نام برده، وظایف سرمنشی ملل متحد را بنویسید.



کارخانه‌گی

این شعر را با دقت بخوانید و به پرسش زیر پاسخ دهید:

بنی آدم اعضای یکدیگرند — که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار — دیگر عضوها را نماند قرار

سعدی

چه رابطه‌یی میان این شعر سعدی و وظایف ملل متحد وجود دارد؟ توضیح دهید.

ارکان فرعی و سازمان‌های وابسته به ملل متحد



گفت‌وگو کنید

به تصاویر بالا به دقت نگاه کنید و به پرسش‌ها پاسخ دهید:

۱- این آرم‌ها مربوط به کدام مؤسسه‌ها اند؟

۲- آیا کارکرد این مؤسسهٔ را در جایی دیده‌اید؟ اگر دیده‌اید، توضیح دهید.

در درس گذشته با دلایل تأسیس ملل متحد آشنا شدیم. همچنین ارکان اصلی و وظایف آن‌ها را شناختیم. در این درس با ارکان فرعی و برخی از مؤسسه‌های تخصصی وابسته به ملل متحد آشنا می‌شویم. تشکیل ملل‌متحد آغازگر همکاری‌های گسترده، بین کشورهای جهان گردید. بسیاری از این همکاری‌ها در بخش‌هایی است، که در منشور ملل متحد پیش‌بینی نشده بود. بنابراین، ارکان فرعی ملل متحد فعال شدند تا بتوانند همکاری‌های بین‌المللی را در تمام بخش‌ها گسترش دهند. تعدادی از سازمان‌های تخصصی مستقل که در سطح جهانی فعال بودند، با ملل متحد قراردادهایی را امضا کردند که برنامه‌های خود را با هماهنگی ملل متحد انجام دهند. به همین دلیل، به آن‌ها سازمان‌های تخصصی وابسته به ملل متحد می گویند.

به طور کلی، سازمان‌های وابسته به ملل متحد به سه بخش کاری تقسیم می‌شوند:
۱- مؤسسه‌های انکشاف زراعتی، صنعتی و پولی- بانکی (اقتصادی)؛
۲- مؤسسه‌های خدماتی و ارتباطی؛
۳- مؤسسه‌های اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی (صحی).
این سازمان‌ها و مؤسسه‌های در جهت توسعهٔ زراعت، ارتباطات بین‌المللی و بالابردن سطح رفاه‌اجتماعی، فرهنگی و صحی در سطح جهان فعالیت می‌کنند. در اینجا با برخی از مهم‌ترین سازمان‌های بین‌المللی یادشده، آشنا می‌شویم.

یونسکو

به نظر شما چگونه می‌توان صلحی پایدار ایجاد کرد؟
یکی از سازمان‌های تخصصی وابسته به ملل متحد، سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد یا **یونسکو** (UNESCO) است. پیش از این دانستیم که ملل متحد با انگیزهٔ ایجاد صلح در جهان به‌وجود آمد. از آنجایی‌که ملل متحد یک سازمان سیاسی است و از دولت‌ها نماینده‌گی می‌کند، به تنهایی نمی‌تواند، مشکل جنگ را در جهان حل کند. بنیان‌گذاران یونسکو معتقد بودند که جنگ ابتدا در ذهن بشر به‌وجود می‌آید. بنابراین با آموزش وتربیت درست، صلح‌خواهی را نیز باید در ذهن بشر ایجاد کرد. پس با توجه بیش‌تر به علم و دانش و تربیت بشر، می‌توان انسان‌هایی تربیت کرد که جنگ را تنها راه حل اختلاف‌ها ندانند. به همین منظور سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) تأسیس شده است.

گفت‌وگو کنید

آیا تا به حال درباره دشوارهای مختلفی که شما شاگردان به آن مواجه هستید، فکر کرده‌اید؟ مثال‌هایی از آن‌ها را بیان کنید. چه راه‌های برای کاهش‌دادن این دشواری‌ها به نظرتان می‌رسد؟ درباره آن‌ها در صنف گفت‌وگو کنید.

یونیسِف

یکی از ارکان فرعی ملل متحد صندوق کودکان ملل متحد است؛ که به طور اختصار **یونیسِف** (UNICEF) نامیده می‌شود. هدف یونیسف کمک به ایجاد زنده‌گی امن، سالم و برخوردار از تغذیه مناسب و همراه با آموزش و پرورش مفید برای تمام کودکان جهان است.
یونیسف هم‌چنین از رفع تبعیض علیه زنان حمایت می‌کند و بر تربیت و تعلیم دختران تاکید دارد. یونیسف سعی می‌کند، موانعی را که رفاه و امنیت زنده‌گی کودکان را تهدید می‌کنند کاهش دهد و کودکان را در رسیدن به حقوق‌شان که داشتن امنیت، صحت و آموزش و پرورش مناسب است، یاری رساند.

کمیشنری عالی ملل متحد در امور پناهنده‌گان

یکی از مهم‌ترین و زیانبارترین نتایج جنگ در هر کشوری آواره و بی‌خانمان شدن تعداد زیادی از ساکنین سرزمین جنگ زده می‌باشد. به همین دلیل، ملل متحد بخشی از فعالیت‌های خود را به رسیده‌گی به امور آواره‌گان و پناهنده‌گان اختصاص داده است. کمیشنری ملل متحد در امور پناهنده‌گان (UNHCR) ارکان فرعی ملل متحد است؛ که در این زمینهٔ فعالیت می‌کند.

مهمترین وظیفهٔ این کمیشنری تامین حمایت بین‌المللی از پناهنده‌گان، کمک به تأمین ضرورت‌های اولیهٔ آن‌ها و جلوگیری از نقض حقوق اساسی آن‌ها می‌باشد.





مروری بر درس گذشته

- ....
- ....
- ....
- ....
- ....
- ....



پرسش‌ها

۱- سازمان‌های تخصصی ملل متحد، به چه منظوری به وجود آمدند؟
۲- فعالیت سازمان‌های تخصصی وابسته به ملل متحد به چند بخش تقسیم می‌شوند؟
۳- وظایف یونسکو را توضیح دهید.
۴- یونیسف چه نوع سازمانی است؟ توضیح دهید.
۵- کمک‌های کمیشنری عالی ملل متحد به چه کسانی تعلق می‌گیرد؟



کارخانه‌گی

تحقیق کنید که در محل زنده‌گی شما کدام یک از سازمان‌های وابسته به ملل متحد فعالیت دارد. از فعالیت‌های آن‌ها گزارشی تهیه نموده، در صنف بخوانید.

کارنامه‌های ملل متحد





گفت‌وگو کنید

در درس قبل خواندیم که ملل متحد برای تحقق بخشیدن اهداف خاصی تأسیس شده است.
به نظر شما:
۱- ملل متحد چقدر توانسته آن هدف ها را تحقق بخشد؟
۲- در افغانستان چقدر موفقیت داشته است؟

می‌دانیم که ملل متحد پس از جنگ‌جهانی دوم، در پاسخ به نیاز شدید انسان‌هابه صلح و امنیت جهانی تأسیس شد. در درس‌های قبل با اهداف، برنامه‌ها، ارکان اصلی و فرعی و موسسهٔ‌های تخصصی ملل متحد آشنا شدیم. در این درس کارنامه‌های ملل متحد را در سه بخش زیر، بررسی می کنیم:
۱- جلوگیری از جنگ و ایجاد صلح؛
۲- بالا بردن سطح زنده گی، از طریق ایجاد کار و مبارزه با فقر؛
۳- کمک به حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین کشورها.

جلوگیری از جنگ و ایجاد صلح

ملل متحد در بسیاری از مناطق اقدام‌های برای جلوگیری از جنگ و ایجاد صلح انجام داده است. مهمترین اقدام‌های که بارها از سوی ملل متحد صورت گرفته؛ عبارتند از: ۱- استقرار نیروهای حافظ صلح ملل متحد برای جلوگیری از شروع جنگ احتمالی؛ ۲- جمع‌آوری تسلیحات طرفین درگیر؛ ۳- تشویق طرفین درگیر به مذاکره با میانجیگری سرمنشی ملل متحد.

با وجود تمام این اقدام‌ها، ملل متحد در مواردی نتواسته است، اهداف خود را تحقق بخشد. به همین دلیل، ما در طول حیات ملل متحد با جنگ‌های زیادی در نقاط مختلف جهان مواجه بوده‌ایم؛ به طور نمونه: جنگ‌های کشور ما در ۳۰ سال گذشته، جنگ ایران و عراق در همسایه‌گی ما، بحران‌های بوسنی هرزگوین و یوگسلاوی در اروپای شرقی را می‌توان اشاره کرد. ناکامی بزرگ ملل متحد در ایجاد صلح، مسأله فلسطین است. ملل متحد نتوانسته است به اعادهٔ حقوق مردم فلسطین کمک زیادی انجام دهد. سرزمین مردم فلسطین بعد از حدود نیم قرن، همچنان تحت اشغال اسراییل قرار دارد.

ایجاد کار و مبارزه با فقر

از اهداف مهم دیگر ملل متحد بالا بردن سطح زنده‌گی، ایجاد اشتغال و مبارزه با فقر در سراسر جهان و به خصوص در کشورهای فقیر است. رکن اصلی ملل متحد که وظیفه تنظیم این‌گونه برنامه‌ها را بر عهده دارد، شورای اقتصادی- اجتماعی است. همچنین، بانک جهانی، سازمان غذا و زراعت جهانی (فائو)، بانک توسعه زراعت و بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه از جمله موسسه‌ها وابسته به ملل متحد است که در این زمینه فعالیت می‌کنند. بانک جهانی قرضه‌های مختلف به کشورهای توسعه نیافته می‌دهد تا بتوانند در زمینه زراعت و صنعت انکشاف پیدا کنند.

با وجود این، امروز نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی در جهان بسیار زیاد است. برخی از کشورها به شدت دچار فقر و تنگ‌دستی استند و سالانه تعداد زیادی از مردم در این کشورها از فقر و گرسنه‌گی جان خود را از دست می‌دهند. ملل متحد به دلایل مختلف نتوانسته است، اقدام‌های جدی برای رفع فقر و گرسنه‌گی در این کشورها به عمل آورد.

حل مسالمت‌آمیز اختلاف ها

یکی از کارهای مهم ملل متحد، ایجاد دیوان بین‌المللی عدالت است، که برای رسیده‌گی به اختلافات بین‌المللی ایجاد شده است. تعداد دوسیه‌هایی که به دیوان بین‌المللی عدالت ارجاع می‌شود، روز به روز در حال افزایش است.

افغانستان و ملل متحد

می‌دانیم که کشور ما یکی از اعضای ملل متحد می‌باشد. ملل متحد به طور فعال در افغانستان فعالیت دارد. این سازمان در زمینه‌های مختلف از جمله خلع سلاح، کنترول تولید و قاچاق مواد مخدر، بازسازی و تأمین امنیت در سراسر کشور، به مردم افغانستان کمک می کند.

در همین راستا، شورای امنیت به نیروهای بین‌المللی کمک به امنیت (ISAF) اجازه داد که در خارج از کابل نیز فعال شود. سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) سعی دارد که در حفظ میراث فرهنگی کشور به افغان‌ها یاری رساند. صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف) توانسته است زنان و کودکان را در مقابل بیماری‌های خطرناک و قابل جلوگیری مانند: تیتانوس، پولیو و سرخکان، واکسین کند.

مروری بر درس گذشته

- ....
- ....
- ....
- ....
- ....
- ....

پرسش‌ها

۱- آیا ملل متحد در جلوگیری از جنگ در جهان موفق بوده است؟
۲- ملل متحد به وسیلهٔ کدام مؤسسات برای از بین بردن فقر در جهان تلاش می کند؟
۳- کدام بخش‌های ملل متحد برای بازسازی افغانستان به مردم ما کمک می کنند؟

کارخانه‌گی

با ده نفر مصاحبه کنید و از آن‌ها بخواهید که به پرسش زیر پاسخ دهند:

- ملل متحد در ایجاد صلح و امنیت در افغانستان چقدر موفق بوده است؟

الف) زیاد　　　ب) متوسط　　　ج) کم

جواب‌ها را نشانی کنید و در آخر، بگویید که چند نفر زیاد را، چند نفر متوسط را و چند نفر کم را نشانی کرده اند و نتیجه را در صنف بخوانید.

خلاصه فصل

- ملل متحد بعد از جنگ جهانی دوم در پاسخ به نیاز مردم جهان برای تأمین صلح و امنیت ایجاد شد.
- ملل متحد دارای ارکان اصلی می‌باشد که مهمترین آن‌ها عبارتند از: مجمع عمومی، شورای امنیت، شورای اقتصادی- اجتماعی، دیوان بین‌المللی عدالت و دارالانشاء.
- یونیسف و کمیشنری عالی ملل متحد در امور پناهنده‌گان از ارکان فرعی ملل متحد می‌باشند.
- یونسکو از سازمان‌های وابسته به ملل متحد است. سازمان‌های وابسته به ملل متحد به سه گروه‌کاری زیر تقسیم می‌شوند:۱- موسسه‌های انکشاف زراعتی، صنعتی و پولی-بانکی (اقتصادی)؛ ۲- موسسه‌های خدماتی و ارتباطی؛ ۳- موسسه‌های اجتماعی، فرهنگی و صحی.
- کارنامه‌های ملل متحد در سه ساحهٔ زیر قابل بررسی است: ۱- جلوگیری از جنگ ۲- ارتقای سطح زنده‌گی و کاهش فقر ۳- حل عادلانه اختلاف‌ها بین کشورها. در هرکدام از این زمینه‌ها ملل متحد موفقیت‌ها و شکست‌هایی داشته است.
- مهمترین ناکامی ملل متحد در فلسطین است که نتوانسته است حقوق این مردم را به آن‌ها برگرداند.
- ملل متحد در افغانستان حضور گسترده و فعالی دارد.

فصل چهارم

حقوق بشر

در این فصل درس‌های زیر را می‌خوانیم:

- با حقوق بشر آشنا شویم.
- حقوق بشر در افغانستان.



اهداف فصل

انتظار می‌رود که شاگردان با خواندن این فصل بتوانند:

- **حقوق بشر را تعریف کنند.**
- **از مجموع حقوق بشر مهم‌ترین آن را بشناسند.**
- **با اهمیت و محتوای کلی اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر آشنا شوند.**
- **رابطهٔ حقوق بشر با دین مبین اسلام را بدانند.**
- **با جایگاه حقوق بشر در قانون اساسی ما آشنا شوند.**
- **با کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان آشنا شوند.**

با حقوق بشر آشنا شویم



گفت‌وگو کنید

به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:

- چقدر با معنی «حقوق بشر» آشنایی دارید؟
- آیا می‌توانید برخی از موارد آن را نام ببرید؟

شما تاکنون اصطلاح «حقوق بشر» را از اشخاص مختلف یا رسانه‌ها شنیده‌اید. در این درس با مفهوم حقوق بشر بیشتر آشنا می‌شوید.

حقوق بشر چیست؟

«حقوق بشر» از دو کلمهٔ «حقوق» و «بشر» ترکیب شده است. حقوق جمع حق است و «حق» به معنای طلب و استحقاق می‌باشد. «بشر» شامل تمام انسان‌هایی است؛ که روی کره زمین زنده گی می کنند. حقوق بشر عبارت از یک تعداد حقوق و ارزش‌هایی است که هر انسانی باید در زنده گی از آن‌ها برخوردار باشد؛ مانند حق حیات، حق آزادی، حق تعلیم و عدالت. همه انسان‌ها باید از این حقوق برخوردار باشند و نباید به خاطر تفاوت‌های نژادی، جنسیتی، فرهنگی، دینی و جغرافیایی از آن‌ها محروم شوند.

در دین مبین اسلام، انسان از احترام خاصی برخوردار است و حقوق زیادی دارد که هیچ کس حق ندارد به طور خودسرانه آن‌ها را از او سلب نماید.

در جامعه گاهی افراد زورمند با استفاده از زور و توان فزیکی و اجتماعی خود حقوق انسانی دیگران را پایمال می‌کنند. موارد زیاد نقض حقوق بشر در طول تاریخ باعث شد که متفکران و مصلحان اجتماعی، راه حلی را برای آن جستجو کنند. تبلیغ و ترویج ارزش‌های انسانی و مبارزه با بی‌عدالتی و عادات ضد انسانی از جمله تلاش‌های مصلحان اجتماعی در این راستا می‌باشد. در پرتو همین تلاش‌ها بود که به تدریج از موارد نقض حقوق بشر کاسته شد. حقوق بشر امروزه یکی از مهم‌ترین ارزش‌های جوامع انسانی به‌شمار می‌رود. مهم‌ترین سند بین‌المللی در بارهٔ حقوق بشر، «اعلامیهٔ جهانی حقوق» بشر می‌باشد.

اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر

اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر، سندی بین‌المللی است که توسط مجمع عمومی ملل متحد به تصویب رسیده است. این اعلامیه یکی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی است؛ هدف آن تامین حقوق برابر و آزادی‌های اساسی برای تمام انسان‌ها می‌باشد. تامین این حقوق می‌تواند، تضمینی برای صلح جهانی باشد.

کشته و بی‌خانمان شدن میلیون‌ها انسان در جنگ‌های اول و دوم جهانی، نقض آشکار حقوق بشر در جهان بود. برای جلوگیری از تکرار این فجایع، نماینده‌گان کشورهای مختلف مهم‌ترین اصول و ارزش‌های حقوق بشر را در قالب اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر تدوین نموده و پایبندی خود را نسبت به آن اعلام داشتند. برخی از مهم‌ترین حقوقی که در اعلامیه آمده عبارتند از:

۱- **حق زنده‌گی:** یعنی هر کس حق زنده‌گی دارد و هیچ کس نمی‌تواند به طور خودسرانه این حق را از او سلب نماید.

۲- **آزادی و امنیت شخصی:** انسان باید در زنده‌گی خودآزادی و امنیت داشته باشد وآزادی و امنیت شخصی افراد نباید مورد تعرض قرار گیرد.

۳- **حق تساوی در برابر قانون:** افراد جامعه در برابر قانون مساوی‌اند و قانون باید در مورد همهٔ آن‌ها به طور یکسان اجرا شود.

٤- **کرامت انسانی افراد:** انسان موجود ارزشمند و دارای احترام است و این حق را همه باید محترم بشمارند.

٥- **حق ازدواج:** هر فرد حق دارد با اختیار و رضایت کامل ازدواج نماید. اجبار زن و یا مرد در ازدواج ممنوع است.

٦- حق مالکیت: مالکیت انسان محترم است و کسی نمی‌تواند به طور خودسرانه این حق را از کسی سلب کند.

٧- آزادی اندیشه، عقیده، بیان و مطبوعات: هر فرد می‌تواند، آزادانه فکر کند، آزادانه بیندیشد و آزادانه آن را بیان و نشر کند.

٨- حق تعلیم و تربیت: هرکس حق دارد از تعلیم و تربیت مناسب بهره‌مند شود. حداقل تعلیمات دورهٔ ابتدایی باید رایگان و اجباری باشد.

ارزش‌هایی که در اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر آمده، جهانی و فراگیر است؛ اما ترویج آن از محیط‌های کوچکی مانند خانواده، مکتب و جامعه شروع می‌شود و تا سطح جامعهٔ ملی و جهانی گسترش می‌یابد. اما خانواده و مکتب، زمانی می‌توانند این ارزش‌ها را رعایت و به فرزندان و شاگردان منتقل کنند که خود از آگاهی و دانش حقوق بشری بهره‌مند باشند.

مروری بر درس گذشته

- ....
- ....
- ....
- ....
- ....

پرسش‌ها

١- حقوق بشر را تعریف کنید.
٢- آیا اسلام حقوق بشر را به رسمیت می‌شناسد؟ چگونه؟
٣- هدف حقوق بشر چیست؟
۴- اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر چیست؟
۵- سه حق از حقوق اساسی را که در اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر آمده، نام ببرید.

کارخانه‌گی

به چند گروه تقسیم شوید و هر گروه با کمک معلم و بزرگان خود دربارهٔ مفاهیم زیر آیاتی از قرآن شریف را پیدا کرده و در صنف برای دوستان خود بخوانید:

١- برابری ٢- عدالت ٣- آزادی ۴- حق حیات

حقوق بشر در افغانستان




گفت‌وگو کنید

با توجه به تصویر بالا به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:
۱- به نظر شما معلولیت این افراد نشان‌دهنده چیست؟
۲- آیا می‌توان از وقوع این گونه معلولیت‌ها جلوگیری کرد؟ چگونه؟

در درس گذشته با مفهوم «حقوق بشر» و ارزش‌های آن آشنا شدید؛ اکنون جایگاه حقوق بشر را در افغانستان مورد بررسی قرار می‌دهیم.

تاریخچه حقوق بشر در افغانستان

ارزش‌های حقوق بشر برای مردم مسلمان افغانستان که در مکتب آزادی‌بخش اسلام تربیت شده‌اند، چیز تازه‌یی نیست؛ اما حقوق بشر به طور نظام یافته، به طور عموم در اولین قانون اساسی در سال ۱۳۰۳ هجری‌شمسی مورد توجه قرار گرفت؛ به طور مثال: افراد حقوق مساوی دارند، آزادی حقوق شخصی، مصئونیت شخصی، لغو برده گی، آزادی مطبوعات، حق تعلیم و تربیت، تساوی مردم در برابر قانون، حق اشتغال در وظایف دولتی، مصئونیت ملکیت و مسکن برای نخستین بار در این قانون رسمیت یافت. در قانون اساسی سال ۱۳۰۹ هـ . ش.، تشکیل پارلمان که یکی از ویژه گی‌های حکومت جمهوری به شمار می‌آید، پیش‌بینی

گردید. در قانون اساسی سال ۱۳۴۳ هـ. ش. بسیاری از مفاهیم حقوق بشری موجود در اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر، مد نظر قرار گرفت. تعلق داشتن حق حاکمیت به ملت، احترام گذاشتن دولت به آزادی و کرامت انسانی، حق عبور و مرور، حق آزادی بیان و اندیشه، حق برگزاری تظاهرات و اجتماعات، حق شرکت در انتخابات، از مهمترین نوآوری‌هایی بود که در این قانون اساسی به رسمیت شناخته شد. در قانون اساسی سال ۱۳۵۵هـ. ش.، نظام شاهی به جمهوری تغییر یافت و پیش‌بینی گردید که رئیس جمهور از طریق برگزاری انتخابات سراسری تعیین شود.

با وجود این، حقوق بشر در طول تاریخ در افغانستان به شدت نقض می‌شد و حاکمان به شیوه‌های مختلف بر مردم ظلم و ستم روا می‌داشتند. در طی چند دههٔ گذشته که تمام کشور را جنگ فرا گرفته بود، نقض حقوق بشر بسیار افزایش یافت. در این مدت تعداد زیادی از هموطنان ما کشته و زخمی شدند. اطفال، به ویژه دختران، از حق تحصیل محروم گردیدند وخانواده‌های زیادی به کشورهای خارج آواره شدند.

گفت‌وگو کنید

پرسش‌های زیر را با دقت بخوانید و دربارهٔ آن‌ها با هم گفت‌وگو کنید:

۱- قانون اساسی جدید کشور، چه جایگاهی برای حقوق بشر قایل شده است؟

۲- دولت جمهوری اسلامی افغانستان، برای مراقبت از حقوق بشر چه کارهایی انجام داده است؟

حقوق بشر در نظام جمهوری اسلامی افغانستان

خودآگاهی مردم و خسارات ناشی از جنگ‌های طولانی، باعث شد که مردم و رهبران گروه‌های درگیر جنگ، روی طرح صلحی که از طرف سازمان ملل تهیه شده بود، به توافق برسند. این توافقنامه طی کنفرانسی در شهر «بن» آلمان به امضا رسید. در این کنفرانس بعضی نماینده‌گان جناح‌های مختلف افغانستان، تشکیل اداره موقت با مشارکت اقوام و ملیت‌ها را به عنوان راه حل برای بحران موجود پذیرفتند. در قانون اساسی جدید، جنبه‌های مختلفی از حقوق بشر در نظر گرفته شده است. در این درس به‌طور نمونه دو ماده را که به حقوق بشر ارتباط دارد، می‌خوانیم:

• در مادهٔ ششم آمده است: «دولت به ایجاد یک جامعهٔ مرفه و مترقی بر اساس عدالت اجتماعی، حفظ کرامت انسانی، حمایت حقوق بشر، تحقق دموکراسی، تأمین وحدت ملی، برابری بین همه اقوام و قبایل و انکشاف متوازن در همه مناطق کشور، مکلف می‌باشد.»

• مادهٔ هفتم می‌گوید: «دولت، منشور ملل متحد، معاهدات بین‌الدول، میثاق‌های بین‌المللی که افغانستان به آن ملحق شده است و اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر را رعایت می‌کند.»

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

درکنفرانس بن، جهت حمایت، نظارت و انکشاف حقوق بشر در افغانستان تشکیل کمیسیون مستقل حقوق بشر نیز پیش‌بینی شد. بر اساس همان توافقنامه، رئیس جمهور در سال ۱۳۸۱ هـ . ش. فرمان تأسیس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را صادر کرد. در بند دوم مادهٔ ۵۸ قانون اساسی نیز بر وجود این کمیسیون تأکید شده است. در همان مادهٔ قانون اساسی آمده: «هر شخص می‌تواند در صورت نقض حقوق بشری خود به این کمیسیون شکایت نماید. کمیسیون می‌تواند موارد نقض حقوق بشری افراد را به مراجع قانونی راجع سازد و در دفاع از حقوق آن‌ها مساعدت نماید.»

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به منظور بالا بردن سطح آگاهی مردم و حمایت از حقوق بشر، همکاری نزدیکی با وزارتخانه‌ها و سایر سازمان‌های دولتی، نهادهای جامعه مدنی و رسانه‌ها دارد. علاوه برآن از طریق برگزاری ورکشاپ‌ها، مصاحبه‌ها، تهیه و تولید فلم و چاپ کتاب، مجله، جریده، پوستر و بروشور، در جهت انکشاف حقوق بشر تلاش می‌کند.





مروری بر درس گذشته

- ....
- ....
- ....
- ....
- ....
- ....



پرسش‌ها

۱- در کدام قانون اساسی نظام شاهی به جمهوری تغییر پیدا کرد؟
۲- بیست و سه سال جنگ برای مردم افغانستان چه خسارت‌هایی را به بارآورد؟
۳- مردم افغانستان برای ختم جنگ و برقراری امنیت، صلح و ثبات درکشور چه راه حلی را در کنفرانس بن معقول دانستند؟ چرا؟
۴- قانون اساسی چه وظایفی را برای کمیسیون مستقل حقوق بشر مطرح می‌کند؟
۵-کمیسیون مستقل حقوق بشر درچه عرصه‌هایی فعالیت دارد؟



کارخانه‌گی

دربارۀ کارهایی که کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در محل زنده‌گی شما انجام داده، یک گزارش تهیه نموده و در صنف برای دیگران بخوانید.

خلاصۀ فصل

- **حقوق بشر عبارت از حقوقی است که هر انسانی باید در زنده‌گی از آن‌ها برخوردار باشد؛ مانند حق حیات، حق آزادی، حق برابری و عدالت.**
- **اعلامیۀ جهانی حقوق بشر، در سال ۱۹٤۸ میلادی توسط ملل متحد با هدف تحقق حقوق برابر و تامین آزادی‌های اساسی برای مردم جهان، صادر شد.**
- **مفاهیم و ارزش‌های حقوق بشر در دین اسلام و فرهنگ ما وجود دارد.**
- **در اولین قانون اساسی کشور ما بر بعضی از ارزش‌های حقوق بشر، تأکید شده است.**
- **جنگ‌های چند دهه اخیر باعث نقض گستردۀ حقوق بشر در کشور ما گردید.**
- **در نظام جدید کشور ما، برای حمایت از حقوق بشر و جلوگیری از نقض آن تدابیری اتخاذ شد که تأسیس «کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان» از آن جمله می‌باشد.**